



پسند طلبگاهان

تو نابغه‌ای؟ ... مانند آن‌ها فکر کن

بابا همتیان - روان‌شناس



این که نابغه کیست و چه ویژگی‌هایی دارد موضوع بحثی مفصل است که اکنون به دنبال بیان آن نیستیم. به هر حال بسیاری افراد را به عنوان نابغه می‌شناسید و بسیار دوست دارید که همانند آن‌ها، شما هم نابغه به شمار بیایید. اما اگر نابغه هم نباشید، می‌توانید از استراتژی‌های کسانی مثل ارسطو و انیشتین، برای تقویت قدرت خلاقیت و اداره‌ی بهتر زندگی‌تان استفاده کنید.

مطالعه‌ی زندگی نوابغ، هشت استراتژی مهم را به ارمغان می‌آورد و تشویق‌مان می‌کند تا به جای پروراندن فکرها و تصورات بیهوده، کارآمد و مفید فکر کنیم و راه حل مشکلات را خود بیابیم. در حقیقت این استراتژی‌ها، تکنیک‌های رایج بین نوابغ عرصه‌ی علم، هنر، صنعت و خدمات در طی تاریخ بوده است.

۱ - نوع دیگر ببینید!

به مشکلات از جوانب مختلف نگاه کنید، و دیدگاه‌های جدیدی را انتخاب کنید که افراد دیگر از آن استفاده نمی‌کنند. لئوناردو داوینچی عقیده داشت: «برای به دست آوردن علم در مورد یک مشکل، باید یاد بگیرید که چطور آن مشکل را به راه‌های مختلف بازسازی کنید.» او می‌گفت: «همیشه اولین رویکرد من به یک مشکل، کمی متعصبانه بوده است. به همین دلیل سعی داشتم تا مشکلات را از جوانب مختلف بررسی کنم.»

۲ - تجسم کنید!

آلبرت انیشتین در زمان اندیشیدن به حلّ یک مشکل، سعی می‌کرد تا موضوع خود را با استفاده از نمودارهای مختلف به چند طریق ممکن فرموله کند. او راه حل‌ها را تجسم می‌کرد. وی عقیده داشت: «کلمات و اعداد آن‌گونه که شما فکر می‌کنید، نقش مهمی در فکر کردن در مورد راه حل یک مشکل ندارند.»

۳ - ایجاد کنید!

یکی از ویژگی‌های متمایز نابغه‌ها، استعداد تولیدی و زیایابی آنهاست. توماس ادیسون ۱۰۹۳ اختراع را به ثبت رسانده است. او با ارائه‌ی فکر و تدبیری منحصر به فرد، سودمندی وسایل اختراعی خود را تضمین می‌کرد. دین کیت از دانشگاه کالیفرنیا با مطالعه‌ی آثار و دستاوردهای ۲۰۳۶ مخترع صاحب نام تاریخ، به اثبات رساند که بزرگ‌ترین دانشمندان نه تنها آثار فوق العاده‌ای می‌ساختند، بلکه آثار بد و غیرقابل استفاده و دفاعی هم در کارنامه‌ی خود داشته‌اند. وی می‌گوید: «آن‌ها از شکست نمی‌ترسیدند ولی آن قدر تلاش کردند تا به موفقیت دست یافتند.»

۴ - ترکیب بسازید!

افکار، ایده‌ها، تصاویر و اندیشه‌های‌تان را ترکیب کنید و ترکیب کنید و بازهم ترکیب کنید و آن‌ها را هر چند که طبیعی و مناسب نباشند، به صورت ترکیبات مختلف

در آورید. قانون‌های توارث که علم جدید ژنتیک بر پایه‌ی آن قرار داده شده است، توسط گریگور مندل راهب اترالیایی مطرح شد. وی ریاضیات و بیولوژی را با هدف ایجاد یک علم جدید با هم ترکیب کرد.

۵ - رابطه سازی کنید!

بین موضوعاتی که تشابهی باهم ندارند، ارتباط ایجاد کنید. لئوناردو داوینچی قادر بود بین صدای زنگ و آب ارتباط ایجاد کند. ساموئل مورس توانست با مشاهده‌ی ایستگاه‌های حمل و نقل توسط اسب، ایستگاه‌های تقویت کننده‌ای برای سیگنال‌های تلگراف اختراع کند.

۶ - متضاد فکر کنید!

نیلز بوهر فیزیک‌دان معروف عقیده داشت: «اگر متضادها را کنار هم بیاورید، خواهید دید که افکار و اندیشه‌های‌تان به مرحله‌ی جدید منتقل می‌شود.» توانایی او در تصوّر نور هم به عنوان یک ذره و هم به عنوان یک موج باعث شد به اصل تکمیل برسد. افکار معلق و مسکوت می‌تواند برای خلق یک شکل جدید به افراد کمک کند.

۷ - استعاری فکر کنید!

ارسطو استعاره را یکی از علامت‌های نوابغ می‌دانست. وی عقیده داشت: «هر فردی که ظرفیت درک شباهت‌های بین دو قلمرو کاملاً مختلف را داشته باشد و بتواند آن‌ها را به هم ربط دهد، یک نابغه است.»

۸ - شکست بخورید.

خلاف آن‌که عادت کرده‌ایم تا به محض شکست در انجام کاری که مشغول انجام آن بوده‌ایم، سرگرم انجام کار دیگری می‌شویم، باید به اصل تصادف خلاقانه پای‌بند باشیم. باید این حقیقت را درک کنیم که شکست زمانی می‌تواند سودمند باشد که ما به شکست به عنوان یک نتیجه‌ی بی‌حاصل فکر نکنیم. باید روند کار، مؤلفه‌های آن و طریقه‌ی تغییر آن‌ها را تحلیل کنیم تا به نتیجه برسیم. نپرسید: «چرا شکست خوردم؟!» بپرسید: «چه کرده‌ام!؟»